

# از جنگ به صلح در خاورمیانه مشاهداتی از یک سفر منطقه‌ای

به قلم رابرت ستلوف (/fa/experts/rabrt-stlwf-0/)

۵ مارس ۲۰۲۳

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/war-peace-middle-east-observations-regional-tour

العربية (/ar/policy-analysis/hl-yswd-alslam-fy-alshrq-alawst-bd-alhrb-mlahzat-bd-jwlt-aqlymyt/)

درباره نویسنده



رابرت ستلوف (/fa/experts/rabrt-stlwf-0/)

رابرت ستلوف مدیر اجرایی انستیتو واشنگتن است. ستلوف کارشناس سیاست عربی و اسلامی است و در زمینه روند صلح اعراب و اسرائیل چالش اسلام سیاسی و ضرورت اصلاح دیپلماسی عمومی ایالات متحده در خاورمیانه مطالب زیادی منتشر کرده است.



تحلیل کوتاه

## مدیر اجرایی انستیتو واشینگتن درباره امکان‌پذیر بودن طرح‌های دیپلماتیک جاری دولت بایدن برای منطقه خاورمیانه صحبت می‌کند و از سفر گروهی اخیر انستیتو به سرپرستی وی به مصر عربستان سعودی اردن اسرائیل و دیدار با تشکیلات خودگردان فلسطینی و گفته‌های مقام‌های محلی شاهد می‌آورد.

انستیتو واشینگتن در ۴ اسفند میزبان یک میزگرد آنلاین از مجموعه مباحث سیاست‌گذاری خود بود که در آن اعضای هیئت‌مدیره حضور داشتند که برای ارزیابی چشم‌اندازهای امنیت و صلح در شرایط کنونی به خاورمیانه سفر کرده بودند. آنچه در ذیل می‌آید متن ویرایش شده اظهارات رابرت ستلوف مدیر اجرایی انستیتو و صاحب کرسی هوارد پی. برکوویتس در سیاست‌گذاری خاورمیانه‌ای آمریکادر انستیتو است. چکیده اظهارات سایر شرکت‌کنندگان به طور جداگانه منتشر خواهد شد.

ویدیوی این میزگرد را تماشا کنید: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/war-peace-trip->

(report-middle-east-study-tour

در چهل سال گذشته من بارها به منطقه شام -اسرائیل و همسایگانش- تا در زمان جنگ سفر کرده‌ام. از جمله در جریان جنگ لبنان و انتفاضه نخست و دوم. سفر اخیر اما متفاوت بود. ابرهای تیره‌ای که عا را همراهی می‌کردند فقط به بارانی که از ریاض تا عمان و تل‌آویو می‌بارید محدود نمی‌شد. عاتم سکون و سختی شرایط در همه شهرها احساس می‌شد. به‌ویژه در اسرائیل اما منحصر به اسرائیل نبود.

ما نصف یک روز را در "کفار عزه" گذرانیدیم که از کیبوتس‌هایی است که بیشترین آسیب را در حمله هفتم اکتبر (پانزدهم مهرماه) دید. یکی از بازماندگان در اطراف قدم زدیم و او داستان خانواده خود را برای ما گفت. از ۲۱ ساعت حبس بودن در اتاق/پناهگاهی امن منزلش با دو کودک خردسالش تعریف کرد و از اینکه همزمان تروریست‌های حماس خانه‌به‌خانه می‌رفتند به کودکان در رختخواب شلیک می‌کردند و نارنجک‌های دستی را در بچال‌ها تله می‌گذاشتند. حتی پس از کشته شدن یا اسارت آخرین مهاجم باز هم نجات‌یافتگان و امدادگران خط مقدم از انفجار در امان نباشند. کمی بالاتر از زمینی خالی که مهاجمان حماس در روز حمله در چشم به هم زدن از آن گذشتند هر کسی می‌توانست انفجار بمب‌ها در بیت‌حانون و جبالیه را ببیند و بشنود. این گذشته و حال جنگ در یک قاب بود.

به طور نسبی حدود ۳۰ هزار کشته در جنگ در مقایسه با شمار سرسام‌آور تلفات ناشی از بی‌رحمی و توحش بشار اسد جنگ‌های نسل اندر نسل در افغانستان یا نسل‌کشی در دارفور رواندا و کامبوج رقم کوچکی به حساب می‌آید اما این نسبت در تراژدی جاری بازگوکننده همه چیز نیست. شوک و وحشت این جنگ واقعی قدرتمند و فراگیر است و عظمت و عمق تراژدی انسانی چه در میان اسرائیلی‌ها و چه فلسطینی‌ها انسان را بطور عمیق متاثر می‌کند.

کشورهای عرب در اظهارات خصوصی از تلاش اسرائیل برای نابودی حماس حمایت می‌کنند حتی یکی از مقام‌های ارشد عرب گفت: "اسرائیل در غزه برای ما می‌جنگد و اگر پیروز شود نخستین بار در چهل سال گذشته خواهد بود که یک گروه تحت حمایت ایران متحمل شکست می‌شود" اما کشورهای عرب بر امنیت خود و منافع خود متمرکز شده‌اند و نمی‌خواهند یا نمی‌توانند نقش پررنگی در شکل دادن به نتیجه در غزه ایفا کنند یا به پرکردن جای خالی ناشی از شکست حماس - که پشت پرده می‌گویند خواهان آن اند - کمک کنند

به طور کلی کشورهای عرب مایل هستند زمان را به ششم اکتبر (چهاردهم مهرماه) بازگردانند مگر در یک مورد: همه آنها با یک موضوع اضطراری سیاسی روبرو هستند که به دلیل همدردی گروهی با فلسطینی‌ها و خشم بر ضد اسرائیلی‌ها به وجود آمده و برنامه‌های یک‌طرفه شبکه الجزیره و رسانه‌های دیگر به آن دامن زده است این مسئله باعث شده تا کشورهای عرب انرژی خود را در راه ایجاد برخی پیشرفت‌های ملموس برای تشکیل کشور فلسطینی صرف کنند چیزی که تا پیش از هفتم اکتبر وجود نداشت. به آسانی نمی‌وان گفت که این مسئله از مردم غزه سرچشمه می‌گیرد که بی‌تردید این روزها نخستینگی‌های دیگری در ذهن دارند این یکی از نیازمندی‌های دیپلماسی پس از جنگ است که به دلیل افزایش همبستگی مردمی با رنج فلسطینی‌ها به جریان جنگ مرتبط شده است.

واقعیت این است که تا ششم اکتبر روابط اسرائیل و عربستان سعودی در حال پیشرفت بود: توافق سه‌جانبه "بیگ بنگ" (یا انفجار بزرگ) که سعودی‌ها علاقه‌مندند به خط پایان برسد اما به نظر نمی‌رسد که بخواهند خیلی هم خود را برای رساندن آن به خط پایان به زحمت بیندازند. از دید آنان این وظیفه آمریکاست که اسرائیل را متقاعد کند که بهای بالاتری به عربستان سعودی بپردازد چرا که آبرو و اعتبار اسرائیل از هفتم اکتبر آسیب دیده است. با شنیدن این موضوع مشخص می‌شود که دنیا چندان متوجه نیست اسرائیل امروز دیگر آن کشور ششم اکتبر نیست و برای اکثریت بزرگی از اسرائیلی‌ها حت حرف زدن درباره راه حل دو کشوری باورنکردنی و حتی شریانه است.

یک جنبه عجیب این سفر این است که امروز من انگیزه‌های عربستان سعودی را برای انعقاد یک معاهده دفاعی متقابل با ایالات متحده کمتر از دوره پیش از این سفر به ریاض درک می‌کنم دلیلش این است که بسیاری از سعودی‌ها از مزایایی در این معاهده حرف می‌زنند که حدود یک سال پیش در جریان تنش‌دایی با ایران آن را به دست آورده‌اند آن تنش‌زدایی به گفته آنها پادشاهی سعودی را از شرارت‌های ایران که همه جا را فرا گرفته در امان نگه داشته است. اگر چنان که بسیاری می‌گویند دست‌کم یک دلیل حمله هفتم اکتبر تیره کردن چشم‌انداز عادی‌سازی مناسبات سعودی-اسرائیل باشد عقل حکم می‌کند که ایرانیان تردستی‌های دیگری هم در آستین داشته باشند که خیز جدید کنونی به سوی عادی‌سازی روابط را مختل کند. بنابراین گرچه سعودی‌ها را بابت این که می‌گویند روابط نزدیکتر و صمیمی‌تری با ایالات متحده می‌خواهند تحسین می‌کنم اما از اشتیاق‌شان برای مزایای ناشناخته یک پیمان دفاعی با ایالات متحده سر در نمی‌آورم پیمانی که صرفاً حاوی قول آمریکا به مشاوره در مواقع اضطراری است و فرآیند به دست آمدن آن آرامش نسبی ایشان را که در سال گذشته از آن برخوردار بودند به هم می‌زند با وجود این نگرانی آشکار واقعیت همچنان این است که سعودی‌ها از قرار به شدت خواهان این پیمان آمریکا هستند.

اسرائیل هم بسیار مایل به عادی‌سازی روابط است افراد مختلف دلایل مختلفی دارند اما آنان در اساس به این خاطر دنبال عادی‌سازی هستند که این تنها راه بیرون رفتن اسرائیل از انزوای کنونی‌اش است و از طرف دیگر اسرائیل در رویارویی با ایران به یک اتحاد راهبردی گسترده در منطقه دست می‌یابد. آیا اسرائیلی‌ها حاضرند بهای آن را بپردازند آیا اصلاً بهای واقعی آن را می‌دانیم آیا اصلاً سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها مستقیماً درباره این موضوع صحبت می‌کنند یا تمام گفت‌وگو از طریق آمریکایی‌ها انجام می‌شود موضوع در همه جوانب ناروشن است.

صحبت درباره این مسائل با اکثر اسرائیلی‌ها تجربه کردن "ناهماهنگی شناختی" است: آنها جهان را تنها از دریچه هفتم اکتبر می‌بینند. تبعات انسانی جنگ خریداری ندارد و عموماً به عنوان جنبه ثانوی جنگ بر ضد حماس در نظر گرفته می‌شود. باید اذعان کرد که در گفت‌وگو با مقام‌های اسرائیلی به استثنای تنها یک نفر از کسی نشنیدیم که با زبان و عبارات ایدئولوژیک و حداکثرطلبانه درباره اهداف جنگی خود صحبت کنند به طور کلی بسیار دقیق بودند: برچیدن توانمندی نظامی حماس و ظرفیت حکومتی آن تا این گروه دیگر نتواند تهدیدی نظامی علیه اسرائیل ایجاد کند یا سد راه حاکمیت بدیل در غزه شود. اما از نظر عملیاتی حتی یک اسرائیلی را ندیدیم که منطق عملیات رفح را مورد تردید قرار دهد و صرفاً مسئله زمان و طرح جابه‌جایی غیرنظامیان مطرح بود موضوعی که در موردش اطمینان دارند هرچند جزئیات واقعی درباره ایجاد مناطق امن بی‌خطر و قابل سکونت برای بیش از یک میلیون غیرنظامی رفح قطعاً نابسند است.

مقام‌های عرب به‌ویژه مسوولان نظامی و امنیتی در گفت‌وگوهای خصوصی درباره وضعیت اسرائیل ابراز همدردی می‌کنند و تفاهم زیادی نشان می‌دهند. عرب همچنان با اسرائیل همکاری نزدیک دارند تا از فعالیت‌های قاچاق (سلاح) ایران جلوگیری کنند و در مقابله با طرح‌های افراطی تنش‌افزایی در دیگر جبهه‌ها هم مشارکت دارند. ما هماهنگی سیاسی در مورد آینده غزه هنوز بسیار ضعیف است و می‌شود گفت به جز یکی دو استثنای موردی اصلاً وجود ندارد. اعراب از آمریکا می‌خواهند همه خدمات‌ها را انجام دهد و آب هم دست‌شان بدهد. آنها حتی حاضر نیستند در انجام کاری مثل اصلاحات فلسطینی زحمتی به خود بدهند همه می‌گویند ضروری است اما کمتر کسی حاضر است برای انجام آن قدمی بردارد.

خوب است یادآوری کنیم که عمده‌ترین اصلاحات تشکیلات خودگردان فلسطینی در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) و زمانی انجام شد که جرج دبلیو. بوش رییس‌جمهوری جمهوری خواه یاسر عرفات رهبر وقت تشکیلات خودگردان فلسطینی را مجبور به انجام آن کرد. بوش یک نخست‌وزیر و وزیر دارایی را بر عرفات تحصیل کرد و در مقابل یک نقشه راه (صلح) مبتنی بر شیوه عملکرد تشکیلات ارائه کرد. این خیلی دور است از صحبت‌های عمومی درباره تعهد به گام غیرقابل بازگشت و زمان‌بندی‌شده به سوی کشور فلسطینی که امروز در برخی محافل می‌شنویم که در ازای آن رهبر کنونی تشکیلات خودگردان احتمالاً غیر از جایگزین کردن یک دوست خود به جای دوست دیگرش در سمت نخست‌وزیری زحمت بیشتری نخواهد کشید. از آن بدتر صحبت‌هایی است مبنی بر اینکه بقای حماس با قراردادن آن زیر چتر تشکیلات خودگردان و تحت عنوان وحدت فلسطینیان تامین شود در فضای کنونی این وحشتناک‌ترین ایده‌ای است که می‌توان تصور کرد.

اگر واشینگتن قاهره ریاض امان یا سایر پایتخت‌ها انتظار دارند که اسرائیلی‌ها به زودی از فضای سنگین پس از هفتم اکتبر خارج شوند فکر می‌کنم به سختی ناامید خواهند شد. در بهترین شرایط حماس و اسرائیل به توافقی برای توقف طولانی نبرد دست خواهند یافت -همان چیزی که اکنون "آتش‌بس موقت" نام گرفته است- و در جریان آن بسیاری از گروه‌های باقی مانده آزاد خواهند شد (که البته کار هنوز تمام نشده اما آنها به توافق نزدیک شده‌اند با این حال تصور من این است که همه گروه‌ها آزاد نشوند زیرا تردید دارم که یحیی السنوار و رفقایش مفاد این توافق را رعایت کنند چنان که مفاد قرارداد پیشین را رعایت نکردند) بسیاری از گروه‌ها به‌ویژه زنان پس از آزادی داستان‌های هولناکی را تعریف خواهند کرد که اسرائیلی‌ها را خشمگین‌تر می‌کند و آنان را وادار خواهد کرد که پس از پایان آتش‌س جنگ را از سر بگیرند به‌ویژه اگر تنها گروه‌های باقیمانده سربازان باشند و نه غیرنظامیان.

در آن پایتخت‌های دیگر البته هدف این است که نه‌تنها استفاده از آتش‌بس به عنوان مسیری بی‌بازگشت برای خروج از جنگ استفاده کنند بلکه آن را فرصتی برای برون‌رفت از بحران هم ببینند. به طور خاص آنها امیدوارند برای رسیدن به چشم‌انداز خودمختاری فلسطینی‌ها در یک کشور به رسمیت شناخته‌شده آنقدر که برای پیش بردن عادی‌سازی مناسبات سعودی-اسرائیل کافی باشد امتیازاتی عملی از اسرائیل بگیرند. توافق دفاعی مشترک سعودی-آمریکا (حتا یک پیمان همکاری هسته‌ای غیرنظامی) و شاید حتا یک تفاهم میان اسرائیل-لبنان/اسرائیل-حزب‌الله که دو طرف را از آستانه جنگ به عقب بازگرداند کافی باشد. و همه اینها در کنار ایده تصویب نخستین پیمان دفاعی مشترک آمریکا با یک کشور خارجی (عربستان) در چند دهه گذشته در سنا قرار است در عرض چند هفته و شاید چند ماه آینده اتفاق بیفتد. عبارت دیگر جو بایدن به زودی تصمیم خواهد گرفت که آیا او نیز مانند تمام رییس‌جمهورهای پیشین از زمان جیمی کارتر ریاست‌مهوری خود را برای دستیابی به صلح در خاورمیانه به خطر بیندازد یا خیر اما در این مورد او یک آرمان معجزه‌آسا در ذهن دارد که تا تابستان بتواند مناقشه اعراب و اسرائیل و فلسطینی‌ها و اسرائیل را یک بار برای همیشه پایان دهد. خدا کمکش کند به نظر من او از هفتم اکتبر به این سو فوق‌العاده عمل کرده اما به من اجازه بدهید در این مورد تردید داشته باشم.

من برای دولت بایدن بابت اتخاذ تدابیر سریع و قاطع در چهار ماه گذشته در جلوگیری از تنش‌افزایی منطقه‌ای اعتبار زیادی قائلم. اما بیایید خودمان را گول نزنیم سطح تنش در منطقه به‌میزان قابل توجهی بالا رفته اگرچه آن جنگ عمومی منطقه‌ای که بسیاری نگرانش بودند نیست. اسرائیلی‌ها می‌گویند اکنون در عملیات نظامی در هفت جبهه فعال می‌جنگند: غزه کرانه باختری لبنان سوریه عراق یمن و ایران. اسرائیلی‌ها در شش جبهه به طور مستقیم درگیرند و رسیدگی به حوثنی‌ها و راکت‌ها موشک‌ها و تهدیدهای آنها بر ضد کشتیرانی در دریای سرخ را به آمریکا بریتانیا و دیگر متحدان واگذار کرده‌اند. آن هم در شرایطی که ایران با صرفه‌جویی در منابع خود و پرهیز از رویارویی مستقیم تمام این جبهه‌ها را فعال کرده و با خیال راحت از قلمرو خود شاهد صحنه‌ای است که در آن دشمنانش یکی پس از دیگری با یکی از گروه‌های نیابتی نهران درگیر می‌شوند در این شرایط ممکن است پیروزی‌های تاکتیکی به دست بیاوریم اما حتا این روشن نیست که در بازی درستی وارد شده ایم یا نه. نازه به برنامه هسته‌ای ایران اشاره هم نکردم موضوعی که در سفرهای ما چندان مطرح نشد که این چه بسا درست همان چیزی است که ایران می‌خواهد.

و برای اینکه این نوشتار را با یک نکته امیدوارکننده به پایان برسانم: به باور من اسرائیلی‌ها در حال رسیدن به پایان عملیات اصلی خود در جنگ هستند. رفح شاید علامت پرسش باشد اما پس از رفح رفح دیگری در کار نخواهد بود. امیدواریم به زودی بتوانیم به این مسئله بازگردیم که چه چیزی خالی‌گاه قدرت در غزه را پر خواهد کرد. پیمانکاران در سراسر منطقه که با برخی‌شان ملاقات کردیم مشتاق بازسازی غزه هستند. برخی کشورهای عرب به انجام کارهایی در زمین غزه تمایل نشان داده‌اند که در برخی موارد به مراتب بلندپروازانه‌تر

از آن چیزی است که بیشتر می‌توانستیم تصور کنیم در این زمینه معمولان نام اماراتی‌ها و کشورهای دیگر به میان می‌آمدند اسرائیلی‌ها در این جبهه کند عمل می‌نند هم به این دلیل که تمرکزشان بر مسائل نظامی است و هم به دلیل مسائل سیاسی. و در اینجا مقصودم فقط آرمان‌های موعودی راست افراطی برای اسکان مجدد در "غوش قطیف" (در داخل نوار غزه) نیست. بلکه هدفم بیشتر از نظر سیاست کلی اسرائیل است که می‌گوید تا وقتی اسرائیلی‌ها نتوانند در امنیت به خانه‌های سوخته و غارت‌شده‌شان در جنوب اسرائیل بازگردند امن کردن شمال غزه برای بازگشت فلسطینی‌ها اشتباه است.

اما اسرائیلی‌ها در حال آغاز این مرحله با قدم‌های کوچک هستند. چنان که نشریه *تایمز اسرائیل* گزارش کرده آنها به تازگی یک پروژه آزمایشی را راه‌اندازی کرده‌اند که در آن ساکنان محلی غزه که به حماس یا تشکیلات خودگردان وابسته نیستند محله‌ای در شهر غزه را اداره می‌کنند. ردید دارم که این رویکرد را بتوان در مقیاس وسیع تکرار کرد زیرا سازمان‌های امداد بین‌المللی کشورهای مهم عرب و سایر کشورهایی که برای بازسازی غزه ضروری هستند خواهان ارتباط با تشکیلات خودگردان اند. اما دست‌کم این یک حرکت مقدماتی را نشان می‌دهد و امری ضروری است زیرا پیروزی واقعی تنها با برچیدن (حکمرانی) حماس به دست نمی‌آید بلکه با جایگزینی آن با یک نمونه بسیار بسیار بهتر است و رسیدن به این هدف مستلزم کار فراوان است.



## RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

[Between Power Sharing and Power Consolidation: The Impact of Iraq's Provincial Elections Results](#)

مارس ۲۰۲۳



Shaima Ali

[\(/policy-analysis/between-power-sharing-and-power-consolidation-impact-iraqs-provincial-elections\)](#)



BRIEF ANALYSIS

[With the Gaza War, the Possibility of a Syrian Transition Is Even More Remote](#)

مارس ۲۰۲۳



Bassam Alahmad

[\(/policy-analysis/gaza-war-possibility-syrian-transition-even-more-remote\)](#)



BRIEF ANALYSIS

## The IMF and UAE Swoop In to Ease Egypt's Economic Crisis

مارس ۲۰۲۳

◆  
Ben Fishman

(/policy-analysis/imf-and-uae-swoop-ease-egypts-economic-crisis)

### TOPICS

(fa/policy-analysis/fraynd-slh/) فرایند صلح

(fa/policy-analysis/rwabt-rb-w-asrayl/) روابط عرب و اسرائیل

(fa/policy-analysis/syast-amryka/) سیاست آمریکا

### REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/ayran/) ایران

(fa/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/) کشورهای حاشیه خلیج فارس

(fa/policy-analysis/flstynyha/) فلسطینی‌ها

(fa/policy-analysis/asrayl/) اسرائیل